

مقدمه

طی دوران نیابت سلطنت توراکینا خاتون (۶۴۴-۶۳۹ هـ) همسر اوگتای قاآن یک زن ایرانی به نام **فاطمه خاتون** در دربار امپراطوری مغول صاحب نفوذ زیادی شد؛ چنانکه مقدمات عزل و نصب عده‌ای از دیوان سالاران را فراهم می‌نمود. توراکینا خاتون هم پیشنهادهای وی را می‌پذیرفت. در نتیجه اقدامات وی، فضای امور دیوانی رنگ و بوی کینه‌توزانه به خود گرفت. زیرا عده‌ای که جایگاه پیشین خود را در ساختار دیوانی از دست داده بودند مترصد تشکیل قوريلتایی، برای انتخاب گیوک، خان بعدی، بودند تا مناصب قبلی را بازیابند. اتفاقاً در دوره سلطنت گیوک (۶۴۷-۶۴۴ هـ) ورق به سود آن‌ها برگشت. فاطمه خاتون در این دوره مورد خشم و غضب دیوان سالاران رقیب قرار گرفت. از یک طرف وی توان لازم را جهت رقابت با دشمنان خود نداشت و از طرف دیگر گیوک نمی‌خواست امور دیوانی امپراطوری مغول تحت الشعاع تصمیمات این زن باشد. در این نوشتار ابتدا به روند اقدامات فاطمه خاتون در زمان نفوذ در ساختار اداری مغول سپس به چگونگی سقوط او در زمان سلطنت گیوک پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: مغولان، فاطمه خاتون، توراکینا خاتون، گیوک

سرگذشت فاطمه خاتون

بهمن شهریاری

دبیر تاریخ ناحیه ۱ شیراز

نفوذ فاطمه خاتون نزد توراکی‌نخاتون

کمی پس از مرگ اوگتای قآن، عزیزترین همسرش موکاخاتون نیز فوت شد. بنابراین مادر پسران بزرگتر قآن متوفی، به نام توراکی‌نخاتون، که هوش و ذکاوت وافر داشت برای ادارهٔ امپراطوری مغول، ایلچی نزد شاهزادگان و برادران و برادرزادگان اوگتای فرستاد. به گفتهٔ جوینی، جغتای و دیگر شاهزادگان اعلام داشتند تا وقت تشکیل قوریلتای، وی که مادر پسران است استحقات قآنی را دارد. توراکی‌نخا برای به‌دست آوردن قلوب امرا و لشکریان و شاهزادگان هدایا و تحف بسیار برای آنان فرستاد. سپس خود را آمادهٔ پاکسازی امپراطوری از افرادی نمود که در زمان پادشاهی اوگتای قآن کینهٔ آنان را به دل گرفته بود. [جوینی، ۱۳۸۲، ج: ۱، ۱۹۶، ۱۹۵]

به گفتهٔ بناکتی «دل خویشان را به انواع تحف و هدایا صید کرد تا تمامت را در تحت فرمان آورد» [بناکتی، ۱۳۴۸: ۳۹۱] رشیدالدین اعتقاد دارد توراکی‌نخا این اقدام را پس از کنکاج [کنکاش] و مشورت با فاطمه خاتون انجام می‌داد. [رشیدالدین، ص ۵۶۴] هوارث نیز بیان می‌دارد توراکی‌نخا در ادارهٔ امور کاملاً تحت تأثیر راهنمایی‌ها و نظرات یک زن ایرانی به نام فاطمه خاتون بود. [Henry Howorth, Op.Cit.p. ۱۶۱]

اما این فاطمه خاتون که بود و چه نقشی در دربار توراکی‌نخاتون داشت؟ در زمان تسخیر طوس به‌دست مغولان فاطمه خاتون اسیر شد. وی که ابتدا در بازار قراقرم دلالی می‌کرد در دورهٔ پادشاهی اوگتای قآن سیر صعودی قدرت یافتن خود را آغاز کرد. بدین ترتیب که در اردوی توراکی‌نخاتون رفت و آمد نمود. پس از مرگ قآن و از بین رفتن نفوذ امیر چینقای در مرکز امپراطوری اعتبار فاطمه خاتون افزایش یافت. چون وی «محرّم اسرار اندرونی و محل رازهای نهانی شد.» [جوینی، ۱۳۸۲، ج: ۱، ۲۰۰]

اقدامات فاطمه خاتون در امور اداری

در دورهٔ توراکی‌نخاتون و با پیشنهاد فاطمه خاتون برخی از دولتمردان پیشین، از کار محروم شدند. زمام بسیاری از امور به‌دست فاطمه خاتون افتاد. [همانجا] حضور فاطمه خاتون منجر به ارتقای برخی دیوان سالاران ایرانی در حکومت مغولان شد. بناکتی از اقتدار فاطمه خاتون نزد توراکی‌نخا اظهار نارضایتی می‌کند و می‌نویسد در نتیجهٔ مشورت با وی برخی از افراد لایق و کارداران را معزول و «طایفهٔ جهال را به جای ایشان نصب می‌کرد.» [بناکتی، ۱۳۴۸: ۳۹۲] در واقع نفوذ و تأثیر وی بر توراکی‌نخاتون منجر به ارتقای افراد مورد حمایت فاطمه خاتون شد. از طرف دیگر برخی از دیوان سالاران ایرانی امپراطوری مغول از این قضیه متضرر شدند. یکی از این افراد **محمود یلواج** بود. فاطمه خاتون دشمنی قدیمی با محمود یلواج داشت. وی توراکی‌نخا را تشویق نمود یلواج را از مقام خود معزول کند و بر او سختگیری نماید. بنابراین توراکی‌نخا ایلچی نزد محمود یلواج فرستاد تا او را با نوکران

بیاورند. محمود یلواج مقدم آنان را گرمی داشت و مورد اعزاز و اکرام قرار داد. وی دو روز بدین روش آنان را مشغول داشت. روز سوم، با زیرکی از غفلت آنان استفاده کرد و نزد کوتان (یکی از پسران اوگتای قآن) گریخت. [رشیدالدین، ۱۳۷۴، ج: ۱، ۵۶۵] فاطمه خاتون به دلیل کینه و عداوت پیشین با محمود یلواج در صدد نابودی وی بود.^۱ او قصد داشت افراد مورد حمایت خود را به جای وی بگمارد. در واقع وی به دلیل داشتن جایگاهی قابل توجه در دربار امپراطوری مغول قصد داشت زمام امور اداری را در حیطهٔ اختیار خود درآورد. وی این اقدامات را در سایهٔ حمایت و توجه توراکی‌نخاتون انجام می‌داد. بنابراین برخی از ایرانیان برای ورود به نظام اداری در تلاش بودند تا حمایت فاطمه خاتون را به‌دست آورند. از طرف دیگر ناکامان چنین رقابتی به جناح مخالف توراکی‌نخا پناهنده می‌شدند. آنان امید داشتند با تغییرات آتی که در رأس قدرت سیاسی مغول انجام خواهد شد، فاطمه خاتون را کنار زده و دوباره نبض امور اداری را به‌دست گیرند. در هر صورت تا زمان برقراری اقتدار ترکان خاتون برخی از ایرانیان مورد لطف وی بودند. در نتیجهٔ تلاش فاطمه خاتون، یک بازرگان مسلمان ایرانی به نام **عبدالرحمن** به عنوان جانشین محمود یلواج در ختای منصوب شد. [جوینی، ۱۳۸۲، ج: ۱، ۱۹۹] البته در زمان اوگتای قآن مالیات چین به‌صورت مقاطعه به عبدالرحمن داده شده بود. در آن زمان وی مالیات دریافتی از کشاورزان چینی را نسبت به دورهٔ تصدی گری یلوچوتسای^۲ دو برابر کرده بود. [Henry Howorth, Op.Cit.p. ۱۶۱] چوتسای تلاش زیادی انجام داد تا از انتصاب عبدالرحمن به آن شغل جلوگیری کند اما مؤثر واقع نشد. در نهایت وی در سن ۵۵ سالگی، در سال ۶۴۱ هـ از غصه فوت کرد. [رنه گروسه، ۱۳۶۸: ۴۴۲]

پناهندگی مغضوبین نزد باتو

یکی دیگر از افرادی که مورد خشم و غضب توراکی‌نخا و فاطمه خاتون قرار گرفت رئیس دفترخانهٔ دورهٔ اوگتای قآن یعنی **چینگای** بود. وی از سوی توراکی‌نخا به دربار احضار شد. اما پیش از رسیدن ایلچی به نزد او به کوتان پناهنده شد. [میرخواند، ۱۳۳۹: ج ۵، ۱۶۸] ذکر این نکته ضروری است که پلان کارپن سفیر پاپ نزد گیوک، از چینگای به عنوان دبیر اول گیوک یاد می‌کند که پس از انتخاب گیوک این سمت را احراز کرد. [پلان کارپن، ۱۳۶۳: ۱۰۳]

تسویه حساب‌های توراکی‌نخا و رقابت اداری فاطمه خاتون با دولتمردان دورهٔ اگتای برای مسعود یلواج نیز سرنوشتی بهتر از پدرش به همراه نداشت. مسعود یلواج با مشاهدهٔ احوال پدرش و چینگای و دیگران نزد باتو پناهنده شد. [رشیدالدین، ۱۳۷۴: ج ۱، ۵۶۵] در واقع پناهنده شدن مسعود یلواج به باتو به دلیل حمایت قاطع کوتان از پناهندگان بود؛ چون باتو نیز مانند کوتان از توراکی‌نخا ناراضی بود. باید در نظر داشت به این دلیل توراکی‌نخا از

اورضایت نداشت که وی با به تخت نشستن گیوک پسر توراکینا مخالف بود. در صورت رسیدن گیوک به مقام قاننی وضع باتو در دنیای مغول پر مخاطره می‌شد؛ در نتیجه وی مانند در دشت قیچاق را ترجیح می‌داد تا نبرد در داخله اروپا را. [دیوید مورگان، ۱۳۸۰: ۱۶۹] جویینی گزارش می‌دهد توراکینا برای استرداد پناهندگی ایلچی نزد کوتان فرستاد. وی در جواب اعلام داشت آنان مانند پرندۀ ضعیفی هستند که از ترس یاز، به زیر بوته گیاهی پناه آورده‌اند. چون آنان به دولت ما تمسک نموده‌اند برخلاف مروت و جوانمردی است و از شیوۀ کرامت و فتوت نزد ترک و تاجیک به دور است که تحویل داده شوند. بهتر است تا زمان تشکیل قوریلتای صبر شود. سپس در آنجا به عملکرد و جرایم آنان رسیدگی خواهد شد. هر وقت توراکینا برای استرداد آنان ایلچی روانه می‌کرد کوتان به همان شیوه بهانه می‌آورد. [جویینی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۱۹۸-۱۹۷]

در نهایت توراکینا برای از بین بردن آنان دست به ترفندی زد. وی از عمادالملک محمد ختنی خواست هنگام تشکیل قوریلتای علیه پناهندگان گواهی دهد، و برای آنان جرایم ساختگی ترتیب دهد، چرا که در زمان اوگتای عمادالملک در خدمت آنان بود و به نحوه مدیریت و عملکرد گذشته آنان واقف بود. اما وی تن به چنین گناهی

نداد، و زندانی شد ولی «حق تعالی او را به سبب عقیدت پاک از آن ورطۀ هایل و امثال آن خلاص داد.» [همان، ص ۱۹۸] وی پس از به تخت نشستن گیوک آزاد گردید و بیش از پیش متمکن شد. بدون شک فاطمه خاتون در تحریک توراکینا جهت استرداد پناهندگان نقش مهمی ایفا کرده بود. نفوذ او نزد توراکینا و تسلطی که بر امور داشت موجب شد بزرگان و دیوان سالاران ایرانی به حمایت وی امیدوار شوند. از جمله افرادی که به حمایت وی دلگرم شدند بزرگان خراسان و جمعی از سادات مشهد مقدس بودند. آنان برای بهبود جایگاه خویش نزد وی رفتند. [همان، ص ۲۰۰]

فاطمه خاتون در تنفیذ احکام بدون آنکه شریکی داشته باشد و یا با کسی مشورت کند اقدام می‌نمود. [میرخواند، ۱۳۳۹: ج ۵، ۱۶۹] یکی از دیوان سالاران ایرانی که مورد حمایت وی قرار گرفت **شرف الدین خوارزمی** است. شرف الدین در سایه پشتیبانی فاطمه خاتون، طی حکومت مغولان در خراسان،

جایگاه از دست رفته خود را در امور دیوانی دوباره به دست آورد. [جویینی، ۱۳۸۲: ج ۲، ۲۴۱]

نفوذ فاطمه خاتون بر توراکینا به اندازه ای بود که در سال ۶۴۱ هـ توراکینا جهت رتق و فتق امور ایران وارد خراسان شد. [همان، ص ۲۴۴] تا آن تاریخ چنین کاری سابقه نداشت. پس از آن نیز هیچکدام از قان‌ها به ایران مسافرت نکردند. نتیجه این مسافرت، به کار گماشتن برخی از ایرانیان بود که از برکشیدگان فاطمه خاتون بودند. در واقع طی آن سفر، توراکینا بیشتر به عناصر ایرانی توجه نمود تا افراد مغولی. [شیرین بیانی، ایران در برخورد با مغول، ۱۳۵۳: ۳۲]

قوریلتای انتخاب گیوک

مهم ترین مسئله دوران نیابت سلطنت توراکینا خاتون، علاوه بر [قدرت یابی] برخی از دیوان سالاران ایرانی، مسئله جانشینی بود. توراکینا در صدد بود فرزند ارشدش گیوک به مقام قاننی برسد. گرچه او تصور نمی نمود گیوک هواداران وی را در آینده کنار بزند. [بیانی، ۱۳۷۰: ۱۴۱] نوادگان چنگیز خان با وجود برخورداری از برخی خصال پدران شان این عیب را داشتند که بیش از آنان به فرمانروایی علاقمند بودند و کمتر از آنان حزم و احتیاط داشتند. رشته های علایق خانوادگی در میان نوادگان متعدد سردار جهانگشا سست و متزلزل شده بود. [بارکهاوزن، ۱۳۴۶: ۱۷۶] جویینی، قوریلتای انتخاب گیوک را با شکوه توصیف می کند. وی می نویسد ایلچیان برای دعوت ملوک شاهزادگان و نوپایان و سلاطین و ملوک و کُتَّاب به مناطق دور و نزدیک گسیل شدند. از جمله افرادی که در قوریلتای حضور یافتند کوتان از مشرق، از اردوی جغتای قراهاکسو و سیسو، از اردوی زرین باتو نیامد اما برادر بزرگتر خود هر دو برادران کوچکتر را فرستاد. از خراسان امیرارغوان آقا و مشاهیر و بزرگان خراسان، عراق عجم، لر بزرگ، آذربایجان، شروان و از سلاجقه روم سلطان رکن الدین و از گرجستان هر دو داود، از بغداد مقر خلافت عباسی قاضی القضاة فخرالدین، از حلب برادر صاحب حلب، از موصل ایلچی سلطان بدرالدین لولو، ایلچیان فرنگ، از فارس و کرمان و همچنین از الموت محتشمان قلعه قهستان شهاب الدین و شمس الدین و... به مغولستان سرازیر شدند، با هدایا و پیشکش های بارززش. [جویینی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۲۰۵-۲۰۴]

پلان کارپن که خود در این قوریلتای حضور داشت می نویسد: گیوک قبل از تشکیل قوریلتا به مقام قاننی برگزیده شده بود، زیرا هرگاه وی از چادر بیرون می آمد مردم شادباش های خود را با برافراشتن پرچم های سرخ ابراز می داشتند. [کارپن، ۱۳۶۳: ۹۹] قوریلتای مذکور در سال ۶۴۳ هـ تشکیل شد. [فصیحی خوانی، ۱۳۴۱: ج ۲، ۳۱۴] قوریلتای نزدیک دریاچه کوچک کونونور در سرچشمه های رود اورخون در مجاورت قراقرم برپا گردید. [گروسه، ۱۳۶۸: ۴۴۳] گیوک پس از استقرار در کار حکومت، درصدد برآمد تشکیلات اداری امپراطوری دوران مادر خود را

مهم ترین مسئله دوران نیابت سلطنت توراکینا خاتون، علاوه بر [قدرت یابی] برخی از دیوان سالاران ایرانی، مسئله جانشینی بود. توراکینا در صدد بود فرزند ارشدش گیوک به مقام قاننی برسد

متحول کند. وی در این زمان احتمالاً تحت تأثیر عناصر مغولی و چینی قرار داشت. در واقع گیوک یک مغولی اصیل از خاندان چنگیز خان، سنت‌گرا، کینه‌توز و انتقام‌جو بود. وی از ارتقای جایگاه ایرانیان در دربار مغول نگران بود. [بیانی، ۱۳۵۳: ۱۴۱] جوزجانی که نام گیوک را به صورت کُیوک می‌نویسد وی را ملعون خطاب می‌کند. او می‌نویسد: گیوک به تحریک نویانان و امرای مغولی کینه و دشمنی شدیدی نسبت به مسلمانان داشت. [جوزجانی، ۱۳۴۳: ۱۷۴، ۱۷۳]

مقابله گیوک با فاطمه‌خاتون

گیوک پس از استقرار در مقام سلطنت، مبارزه خود را با برخی عناصر دیوان‌سالار پیشین آغاز کرد. فاطمه‌خاتون، زنی که در دوره توراکینا زمام امور اداری و اجرایی را در اختیار داشت، گرفتار خشم و غضب وی و عزل‌شدگان پیشین شد. گیوک از نفوذ بیش از حد فاطمه‌خاتون در کار حکومت ناراضی بود. وی قصد داشت فتوحات مغول را در سرزمین ایران دنبال کند اما وجود فاطمه‌خاتون و هواداران وی را در دستگاه حکومت خطرناک می‌دانست. [بیانی، ۱۳۵۳: ۳۴] بنابراین پس از مدت کوتاهی از آغاز سلطنت گیوک، فاطمه‌خاتون متهم شد که در نتیجه تحریک فردی علوی سمرقندی به نام قداق نوئین^۲، کوتان را سحر کرده است. از قضا مقارن آن اوضاع کوتان بیمار شد. از آنجا که وی از دشمنان فاطمه‌خاتون، بود، ایلچی نزد گیوک فرستاد و به او پیغام داد علت بیماری‌اش سحر فاطمه‌خاتون است و اگر مرگ حادث شود فاطمه باید قصاص شود. پس از ادای پیغام، خبر مرگ کوتان به گیوک رسید. چیتقای همان کسی که در زمان نیابت سلطنت توراکینا به تحریک فاطمه‌خاتون عزل شده بود و اگر او از حمایت کوتان برخوردار نمی‌شد مرگ او قطعی بود، اکنون در دستگاه گیوک تمکن یافته بود. وی گیوک را برای قتل فاطمه‌خاتون تحریک می‌کرد. گیوک ایلچی نزد مادر خود فرستاد و فاطمه را احضار کرد. [جوینی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۲۰۱] اما از آنجا که فاطمه ندیمه مادر بود و نزد توراکینا محبوبیت زیادی داشت او را پیش گیوک نفرستاد و پیغام داد که او را همراه خود خواهد آورد. اما چنین نکرد. هر نوبت که ایلچی جهت احضار فاطمه‌خاتون گسیل می‌شد توراکینا بهانه می‌آورد. سرانجام گیوک خشمگین شد و دستور داد ایلچیان برای آوردن فاطمه‌خاتون به زور متوسل شوند. توراکینا وقتی اوضاع را چنین دید نتوانست عذر جدیدی بیاورد و فاطمه‌خاتون را فرستاد. به دنبال آن توراکینا فوت کرد. روزها و شب‌ها فاطمه‌خاتون را برهنه بسته و تشنه و گرسنه می‌داشتند. شکنجه زیادی بر وی تحمیل شد.^۴ [همانجا] سرانجام به کاری که کرده یا نکرده بود اعتراف نمود. سپس «منافذ علوی و سفلی او بردوختند و در نم‌دی پیچیده در آب انداختند» [جوینی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۲۰۱] مصداق احوال فاطمه‌خاتون و گردش روزگار این بیت است:

یکی را بر آری و شاهی دهی پس آنگه به دریا به ماهی دهی دیوان‌سالاران ایرانی از حمایت فاطمه‌خاتون نهایت استفاده را بردند. با آغاز سلطنت گیوک عکس آن جریان به وقوع پیوست. بدین گونه که افراد جناح فاطمه‌خاتون که بیشتر آن‌ها از عناصر غیرایرانی بودند موجبات سقوط او را فراهم کردند. در پی آن خاندان یلواج دوباره به قدرت رسیدند. فاطمه‌خاتون خود می‌دانست که توراکینا‌خاتون برای همیشه در رأس هرم قدرت باقی نخواهد ماند اما تصور نمی‌کرد که پس از پایان نیابت سلطنت، مجبور خواهد شد دست از حمایت ندیمه خود بردارد. در واقع مخالفان فاطمه‌خاتون در سلطنت گیوک وضعیت مشابه او را در زمان نیابت توراکینا‌خاتون داشتند. به هر حال اکنون امر گیوک مَطاع بود نه خواست توراکینا‌خاتون. شاید چنین استنباط شود که فاطمه‌خاتون در معادلات خود اشتباه کرده است؛ اما باید دانست که این فرایند قدرت در همه زمان‌ها بوده و فقط مربوط به سرنوشت فاطمه‌خاتون نبوده. پیش از وی نیز چنین بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. لازم به ذکر است هیچ کدام از منابع دوره مغول در خصوص علت کینه و عداوت فاطمه‌خاتون با محمود یلواج سخنی نقل نکرده‌اند.
۲. ذکر این نکته نیز ضروری است که برخی گمان می‌کنند یلوچوتسای همان محمود یلواج است و یلوچوتسای شکل تلفظ چینی یلواج می‌باشد.
۳. وی از قبیله نایمان و مسیحی بود. در زمان کودکی گیوک مربی و سرپرست او بود. در زمان سلطنت گیوک به مقام وزارت وی رسید. [جوینی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۲۱۳].
۴. باید در نظر داشت طبق یاسای مغول هرگاه نسبت به ارتکاب جرم از طرف متهم شک قوی وجود داشت شکنجه دادن او برای گرفتن اقرار مجاز بود. [بارکهاون، ۱۳۴۶: ۷۴]

منابع

۱. بارکهاون، یواخیم، *امپراطوری زرد چنگیز خان و فرزندان*، ترجمه اردشیر نیکپور، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۴۶.
۲. بیانی، شیرین، *ایران در برخورد با مغول*، تهران: انتشارات کتابخانه طهوری، ۱۳۵۲.
۳. بیانی، شیرین، *دین و دولت در ایران عهد مغول*، چاپ دوم ج ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.
۴. بناکتی، داودبن ابوالفضل محمد، *روضة الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب* (تاریخ بناکتی)، به کوشش جعفر شعار، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸.
۵. جوزجانی، قاضی منهج سراج، *طبقات ناصری*، به تصحیح و مقابله و تحشیه عبدالحی حبیبی، کابل: انجمن تاریخ افغانستان، ۱۳۴۳.
۶. جوینی، علاءالدین عطاملک، *تاریخ جهانگشای*، به تصحیح محمد قزوینی، ج ۲ و ۱ چاپ سوم، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۸۲.
۷. رشیدالدین فضل‌الله، *جامع التواریخ*، به کوشش بهمن کریمی، ج ۱، چاپ چهارم، انتشارات اقبال، ۱۳۷۴.
۸. فصیحی‌خوافی، *مجمعل فصیحی*، به تصحیح محمود فرخ، ج ۲، مشهد: انتشارات باستان، ۱۳۴۱.
۹. کارین، پلان، *سفرنامه پلان کارین*، ترجمه ولی‌الله شادان، تهران: فرهنگسرای یساولی، ۱۳۶۳.
۱۰. گروسه، رنه، *امپراطوری صحرانوردان*، ترجمه عبدالحسین میکده، چاپ سوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۸.
۱۱. مورگان، دیوید، *مغول‌ها*، ترجمه عباس مخبر، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۱۲. میرخواند، میرمحمد بن سید برهان‌الدین خاوند شاه، *تاریخ روضه الصفا*، ج ۵، تهران: انتشارات کتابفروشی خیام و پیروز، ۱۳۳۹.
۱۳. ناصرالدین منشی کرمانی، *نسلیم الاسحار من الطائم الاخبار* (در تاریخ وزراء) به تصحیح و مقابله میرجلال‌الدین حسینی‌ارموی (محدث) تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۴.

14. Howrth, Henty. History of the mongol. VOL1.London Burt. Franklin. 1998.